## جلسۀ 21-995

**یک‌شنبه - 22/07/1403**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم ‌اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی الله علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

مسألۀ 1: ‌اذا خالف الترتیب فی الرکعات سهوا کان اتی بالرکعة الثالثة فی محل الثانیة بان تخیل بعد الرکعة الاولی ان ما قام الیه ثالثة فاتی بالتسبیحات الثلاثة و رکع و سجد و قام الی الثالثة و تخیل انها ثانیة فاتی بالقراءة و القنوت لم تبطل صلاته بل یکون ما قصده ثالثة ثانیة و ما قصده ثانیة ثالثة قهرا و کذا لو سجد الاولی بقصد الثانیة و الثانیة بقصد الاولی.

این مسأله واضح است. اگر کسی فکر می‌‌کرد در رکعت سوم است تسبیحات اربعه گفت و رکوع رفت، یادش آمد رکعت دوم است یا فکر می‌‌کرد دوم است حمد و سوره خواند بعد رفت رکوع یادش آمد رکعت سوم است، این نماز صحیح است چون عنوان دوم و سوم عنوان واقعی است نه عنوان قصدی، شارع نگفته شرط صحت رکعت این است که قصد کنید این رکعت اولی است او رکعت ثانیه است او رکعت ثالثه است، قهرا رکعتی که اول می‌‌آوری رکعت اولی است، رکعتی که بعدش می‌‌آوری رکعت ثانیه است رکعتی که بعد از آن می‌‌آوری رکعت ثالثه است و هکذا. و لذا شما با این کاری که کردی خللی در اصل رکعات نیست، خلل رساندی به حمد و سورۀ در رکعت دوم چون فکر می‌‌کردی رکعت هستی تسبیحات اربعه خواندی، خب من نسی القراءة فلا شیء علیه. بله اگر قبل از رکوع ملتفت بشوی تدارک می‌‌کنی حمد و سوره را می‌‌خوانی آن تسبیحات اربعه هم می‌‌شود زیادۀ سهویه، زیادۀ سهویه فوقش سجدۀ سهو دارد او هم که ما قائل نبودیم که هر زیادۀ سهویه‌ای یا هر نقیصۀ سهویه‌ای سجدۀ سهو دارد و یا اگر قبل از رکوع ملتفت بشوی رکعت سومی در حالی که حمد و سوره خوانده بودی آنجا خیلی مشکل راحت‌تر حل می‌‌شود چون انسان در رکعت سوم مخیر است بین قرائت سورۀ حمد یا تسبیحات اربعه شما هم سورۀ حمد را خواندی و لو به تخیل رکعت ثانیه خواندی مهم نیست شما عدل واجب را در این رکعت ثالثه که سورۀ حمد است آوردی مشکلی نیست و این نماز صحیح است. سجدۀ اولی و ثانیه هم همین است، سجدۀ اولا آنی است که اول سجده می‌‌کنی سجدۀ ثانیه آنی است که دوم سجده می‌‌کنی عنوان قصدی نیست اولی و ثانیه بودن.

راجع به وضو برخی عبارت‌ها در رساله‌ها غلط انداز است سؤال می‌‌کنند که آیا شستن بار دوم عنوان قصدی است یا عنوان قصدی نیست جواب‌هایی داده می‌‌شود، ‌اصل غسل وضویی یک عنوان قصدی است اما این‌که این غسلۀ ثانیه است که عنوان قصدی نیست. می‌‌گوید هی نیت کنی غسلۀ اولی ادامه بده نه این درست نیست. شما وقتی یک بار شستن دست کامل شد می‌‌شود غسلۀ اولی بعد از این اگر بشویی می‌‌شود غسلۀ ثانیه و لو شما قصد کنی نخیر غسلۀ اولی هست. یک وقت اصلا قصد غسلۀ وضوییه نمی‌کنی او یک بحث دیگری است عنوان قصدی است غسلۀ وضوییه اما یک وقت قصد غسلۀ وضوییه می‌‌کنی و لکن می‌‌گویی ادامۀ غسلۀ اولی باشد با این نیت که ادامۀ غسلۀ اولی نمی‌شود می‌‌شود غسلۀ ثانیه.

این مسأله واضح است و لذا بیش از این معطل نمی‌شویم، وارد می‌‌شویم فصل فی الموالات.

## فصل فی الموالات

قد عرفت سابقا وجوب الموالات فی کل من القراءة و التکبیر و التسبیح و الاذکار بالنسبة الی الآیات و الکلمات و الحروف.

بحث موالات بحث مهمی هست. موالات به‌لحاظ حروف یک کلمه به این است که عرفا صدق کند شما تلفظ کردی به این کلمه، شما اگر بگویی ال، مدتی را مکث کنی بعد بگویی حم، بعد از مدتی بگویی دُ، نمی‌گویند قال الحمدُ، برای همین می‌‌گویند موالات در حروف یک کلمه باید رعایت بشود چون اگر مراعات نکنی عرفا نمی‌گویند تلفظ کردی به این کلمه. موالات بین کلمات یک آیه به مقداری که اگر مراعات نکنی نگویند این آیه را خوانده، لازم است جوری مراعات کنی که عرفا بگویند قرأه هذه الآیة، ‌طبعا موالات بین حروف سخت‌تر است تا موالات بین کلمات یک آیه، عرف این مقدار فاصله‌ای که بین حروف می‌‌اندازی ممکن است مخل بداند به صدق یک کلمه اما همین مقدار فاصله را بین کلمات یک آیه مخل به صدق قرائت آیه نداند. رعایت موالات بین آیات سورۀ حمد به اندازه‌ای لازم است که عرفا بگویند قرأ سورة الحمد. موالات بین اجزای نماز به حدی لازم است که عرفا بگویند نماز می‌‌خواند.

اصل این‌که یک مرکب واحدی موالات شرط صدق عنوانش هست خود این محل نزاع است، مرحوم آقای خوئی در بحث وضو در بحث غسل گفته نه، هیچ در صدق اغسلوا وجوهکم و ایدیکم الی المرافق و امسحوا برؤوسکم و ارجلکم الی الکعبین شرط نیست موالات. نیم‌ ساعت قبل صورتت را می‌‌شویی نیم ساعت صبر می‌‌کنی بعد دست راستت را می‌‌شویی، ‌نیم ساعت بعد دست چپت را می‌‌شویی. اگر نبود اجماع و روایات ما می‌‌گفتیم صدق می‌‌کند وضو. در غسل جنابت هم که مسلم است که موالات معتبر نیست می‌‌گوید طبق قاعده است، مقتضای اطلاقات این است که غسل رأس و رقبه بکنیم سپس غسل جسد بکنیم حالا این سپس ممکن است چند ساعت طول بکشد تا ما غسل جسد بکنیم بعد از غسل رأس و رقبه اطلاق دلیل شاملش می‌‌شود و روایات هم که دلالت می‌‌کند بر عدم موالات در غسل جنابت.

گذشت، ‌رسیدند به بحث تیمم، آنجا نظر برگشت، دیگر در تیمم، در بحث اذان و اقامه، در اینجا بحث نماز، بعدش طواف، بعدش سعی، دیگر ایشان گفته اصلا صدق عرفی عمل عبادی که مرکب ارتباطی هست به این است که پشت سر هم بیاوریم‌ و الا صدق نمی‌کند. از بحث تیمم به بعد دیگر نظر آقای خوئی عوض شده. ایشان فرمودند این‌که گفتند تیمموا صعیدا طیبا فامسحوا بوجوهکم و ایدیکم منه این اصلا صادق نیست در فرض اخلال به موالات. بعد در اذان و اقامه هم همین را گفتند. رفتند بحث طواف، همین را گفتند. بحث سعی همین را تکرار کردند.

مرحوم آقای حکیم من ندیدم رأیش عوض بشود، همه جا می‌‌گوید مقتضای اطلاعات عدم اعتبار موالات است.

آقای داماد هم همین‌طور، در بحث سعی دارند می‌‌فرمایند چه اشکالی دارد یک شوط را صبح بجا می‌‌آورم می‌‌روم استراحت می‌‌کنم یک شوط را ظهر بجا می‌‌آورم می‌‌روم استراحت می‌‌کنم، آیا نمی‌گویند سعی بین الصفا و المروة سبعة اشواط؟ چرا نمی‌گویند؟ بله، بخواهد خیلی فاصله بیندازد امروز یک شوط بجا بیاورد فردا یک شوط دیگر آنجا آقای داماد می‌‌گوید قبول می‌‌کنیم این عرفا انصراف از عمل است و لکن این به معنای شرطیت موالات نیست.

پس آقای حکیم در مستمسک جلد 6 صفحۀ 486 صریحا فرمودند انصراف اطلاق التکلیف الی خصوص حصول الموالاة یمکن منعها کما تقدم فی التیمم و غیره. آقای خوئی در بحث وضو جلد 5 صفحۀ 388 موسوعه گفتند مقتضی اطلاق ادلة الوضوء عدم الموالاة فی الوضوء و ان حاله حال الغسل. در بحث غسل جنابت هم جلد 6 صفحۀ 383 گفتند: عدم اعتبار موالات در غسل مقتضای اطلاقات است. این گذشت رسیدند به بحث تیمم، ‌انقلاب فرهنگی شد!!، ‌جلد 10 صفحۀ 284 می‌‌گویند: بحث تیمم: لم یرد اعتبار الموالاة ‌فی دلیل لفظی نعم مقتضی الارتکاز المتشرعی ان للعبادات المرکبة هیئة و صورة بحیث لو لم یأت باجزاءها متوالیة بان تخلل بینها فصل طویل و لم یصدق علیها انها عمل واحد بطلت و بهذا اعتبرنا التوالی فی الصلاة و الا لم یقم دلیل لفظی علی اعتبارها یعنی علی اعتبار الموالاة بین اجزاء الصلاة، فان مقتضی الارتکاز انه لو کبّر و قرأ فاتحة الکتاب ثم اشتغل بفعل آخر و بعد مدة ضم الیهما الرکوع و بعد فصل اتی بالسجود بطل صلاته و لم یصدق علی عمله الصلاة . در بحث اذان و اقامه جلد 13 موسوعه صفحۀ 335 هم دیگر نظر جدید شده می‌‌گویند موالات بین فصول اذان و اقامه معتبر است چون صدق نمی‌کند عرفا اذان گفت، المرتکز فی الاذهان ان کلا من الاذان و الاقامة عمل وحدانی ذو هیئة اتصالیة فلو انفصم النظم و تخلل الفصل بسکوت طویل او عمل اجنبی لم یقع مصداقا للمأموربه و هذا الوجه مطرد فی عامة العبادات المرکبة ‌المعنونة ‌بعنوان خاص فان العرف یفهم ان الغرض لا یتحقق الا لدی الاتیان متصلة بحیث یصدق العنوان العمل العبادی.

می‌گوییم جناب آقای خوئی! اگر مولا به عبدش بگوید کل من هذا الطعام سبع مرات اضرب زیدا سبع مرات یا ثلاث مرات، اغسل ثوبک مرتین، آیا عرف موالات می‌‌فهمد؟ خود آقای خوئی در مصباح الفقاهة جلد 3 صفحۀ 52 بر خلاف نظر مشهور که موالات بین ایجاب و قبول شرط صدق عنوان عقد است می‌‌گوید: نه، دلیل ندارد، نامه می‌‌دهد طرف در نامه می‌‌نویسد من خانه‌ام را به تو فروختم به یک میلیارد بعد از یک ماه نامه می‌‌رسد دست مشتری مشتری می‌‌گوید خریدم. حالا ممکن است نامه هم که رسید دست مشتری سریع جواب ندهد چند روز طول بدهد، آیا نمی‌گویند تحقق البیع بینهما؟ خود آقای خوئی این را فرموده. پس این‌که شما می‌‌فرمایید در صدق عرفی عمل مرکب شرط است موالات بر خلاف آنچه که در وضو فرمودید بر خلاف آنچه که در غسل فرمودید این فرمایش جدیدتان دلیلش چیست. به قول آقای داماد چرا صدق نمی‌کند سعی سبعة اشواط بر کسی که حالا یک شوط بجا می‌‌آورد یک ساعت هم استراحت می‌‌کند بعد می‌‌آید شوط بعد را بجا می‌‌آورد. این‌قدر سخت‌گیری که مثل آقای سیستانی می‌‌کنند ده دقیقه فاصله بشود بین اشواط طواف و سعی می‌‌گویند موالات بهم خورد برو از نو شروع کن، آقای زنجانی هم همین‌طور هستند بر خلاف نظر استاد‌شان ایشان هم می‌‌گویند در صدق عرفی این افعال موالات معتبر است. ما وجهش را نمی‌فهمیم.

[سؤال: ... جواب:] الان می‌‌گویند زیارت عاشورا بخوانید با صد لعن و صد سلام، حالا شما پنجاه تا لعنش را فرستادید یک مهمانی آمد از اهل سنت، شما نخواستی جلوی او بگویی اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد، چون سؤال‌پیچ می‌‌کند شما را می‌‌گوید من هو الاول، گذاشتی یک ساعتی با او گعده کردی او رفت بعد ادامه بدهی آیا نمی‌گویند زیارت عاشورا خواند با صد لعن و صد صلوات؟‌ ... شما در اغسل ثوبک مرتیت صب الماء علی جسدک مرتین چی می‌‌گویید؟ صم سبعة ایام، از کجایش موالات را می‌‌فهمید؟ ثلاثة ایام فی الحج و سبعة اذا رجعتم، سبعة اذا رجعتم را باید پشت سر هم بگیریم؟ ... این مثل این می‌‌ماند که بگوید تا آخر عمر در حال غسل جنابت است، چون غسل جنابت که موالات معتبر نیست. ... ما فی الجمله قبول داریم صبح بگویی الله اکبر همین‌جوری بنشینی بعد از نیم ساعت بگویی بسم الله الرحمن الرحیم، سورۀ حمد را بخوانی، در ارتکاز متشرعه می‌‌گویند این نماز نشد، این نماز نیست، فی الجمله من قبول دارم اما موالات به آن معنا که تتابع عرفی که عرض کردم سخت‌گیری‌های خودش را دارد این تتابع عرفی الان آقای سیستانی در وضو می‌‌گویند علاوه بر این‌که جفاف پیدا نکند آن اعضای سابقه عرفا باید در حال اختیار پشت سر هم باشد این را شرط می‌‌دانند یا عرض کردم ده دقیقه فاصله بشود بین اشواط سعی می‌‌گوید موالات مختل شد، ‌هفت و هشت دقیقه احتیاط واجب است کمترش پنج دقیقه به پایین موالات حفظ شده. این‌ها را عرف نمی‌فهمد. نماز جماعت شروع شده یک ربع هم طول کشیده، قبلش هم که یک مدتی نمی‌گذارند که سعی کنیم، صف می‌‌بندند یا در طواف یا در سعی، آخه اسع سبعة اشواط بین الصفا و المروة صدق نمی‌کند؟ چرا صدق نمی‌کند آقا؟ من سؤالم این است که چرا صدق نمی‌کند؟

[سؤال: ... جواب:] می‌‌گویند ازدحام که شد ده دقیقه فاصله شد بین اشواط سعی برو از نو شروع کن ازدحام تاثیر ندارد عرفا صدق نمی‌کند شعی بین الصفا و المروة سبعة اشواط. می‌‌گویم اگر این صدق نمی‌کند پس چرا اکل من هذا الطعام سبع مرات صدق می‌‌کند صام سبعة ایام صدق می‌‌کند و لو با فاصله انداختن بین این هفت روز چرا آنجا صدق می‌‌کند اینجا صدق نمی‌کند. بله نماز یک خصوصیت در ارتکاز متشرعه دارد.

اما یک نکته به شما بگویم: ما در نماز هم دچار یک مقدار ارتکاز مقدسی یا احتیاطی شدیم بر خلاف روایات، ‌روایات این‌قدر سخت نگرفته که ما سخت می‌‌گیریم. در روایات مواردی ذکر شده که اصلا اگر الان انجام بدهیم می‌‌گوید این چه نمازی شد، خود آقای خوئی از کسانی است که به این مطلب معترف است، شیردادن بچه، الان یک مادری وسط نماز بچه‌اش را شیر بدهد الان مردم چی می‌‌گویند؟ می‌‌گویند تو نماز می‌‌خوانی یا بچه شیر می‌‌دهی؟‌ می‌‌گویند یا نمی‌گویند؟ قتل الحیة وسط نماز. موالات بهم می‌‌خورد یا فعل کثیر است دیگر. روایت راجع به این‌که سنگ بیندازد طرف سگ سگ را فراری بدهد. قتل الحیة قتل العقرب، ‌ارضاء الام ولدها، خون دماغ شد برود بینی‌اش را بشوید بیاید نماز را ادامه بدهد.

[سؤال: ... جواب:] وسط نماز چکار کرد که می‌‌خواهد وضو بگیرد؟ !! حالا آن وضو روایت معرض‌عنه دارد. این‌هایی که اعراض نشده من دارم استدلال می‌‌کنم. ... تخصیص نیست، ‌اصلا این روایات این‌ها را مانع از صدق عرفی صلات نمی‌داند. ما یک مقدار در صدق عرفی صلات که فصل طویل نشود، فعل کثیر نشود که محو صورت صلات می‌‌کند، دچار احتیاط، مقدس‌مآبی شدیم و الا این‌طور نیست، ‌قتل عقرب خودش چقدر طول می‌‌کشد، هیچ اضطرار هم نیست عقرب بدبخت راه خودش را گرفته می‌‌رود کاری به تو نداشت، دمپایی‌ات را بردای بیفتی دنبالش محکم بزنی بکشیش برگردی نماز بخوانی، [می گویند]‌ تو نماز می‌‌خوانی یا عقرب می‌‌کشی؟‌ آیت‌الله عقرب‌کش، ‌آیت الله مار کش این چه نمازی شد. مردم این‌جور می‌‌گویند. این‌ها که دیگر روایت دارد، نگاه کنید آقای خوئی هم مطرح کرده در موسوعه جلد 15 صریحا مطرح می‌‌کند، صفحۀ 503 به بعد رسما می‌‌گوید، ‌می گوید خود روایات این‌ها را تجویز کرده شما می‌‌گویید ماحی صورت صلات است، ‌فعل کثیر است. عدة من الاخبار دلت علی جواز جملة ‌من الافعال اثناء الصلاة مما لا شبة فی عد بعضها عرفا من الفعل الکثیر حالا ایشان فعل کثیر را می‌‌گوید موالات را نمی‌گوید چون خودش موالات را معتبر می‌‌داند او را نگفته فعل کثیر را گفته گاهی این فعل کثیر مخل به موالات است کرمی الکلب بحجر او رمی احد بحصاة لیأتی نحوه کما فعله الصادق علیه السلام او قتل الحیة او العقرب او ارضاء الام ولدها و حمله معها او الذهاب عند الرعاف او رؤیة النجاسة فی الثوب او البدن لتطهیر ثم العود لاتمام الصلاة او نحو ذلک مما اورده صاحب الوسائل فی باب التاسع و العاشر من ابواب القواطع و الحاصل ان الکبری الکلیة المذکورة ‌فی کلمات القوم من قادحیة فعل الکثیر بما هو و بوصفه العنوانی لا یمکن المساعدة علیها الا فی ما قام علیه دلیل بالخصوص من اجماع و نحوه. بعد البته ایشان می‌‌گوید او اوجب الاخلال بالموالاة المعتبرة بین الاجزاء المستلزم طبعا لمحو صورة ‌الصلاة . خب من عرضم این است که مفهوم عرفی صلات متقوم به چه مقدار از موالات است؟ الان مردم دچار احتیاط شدند، آقای خوئی مگر نمی‌گویند دعای کمیل هم بخوانی وسط نماز این محو نمی‌کند صورت صلات را، صاحب عروه هم قبول دارد بعضی‌ها در همان هم اشکال کردند می‌‌گویند عرفا می‌‌گویند این دارد وسط نماز دعای کمیل می‌‌خواند این نماز نشد این دعای کمیل خواندن شد.

بله من قبول دارم در موارد شک در این‌که عرفا این اخلال به موالات در حدی هست که عرف به این بگوید نماز یا نه، ‌اینجا شبهۀ مفهومیۀ صدق صلات شد، آقایان‌ که به برائت رجوع می‌‌کنند در شبهات مفهومیه ما اشکال داریم، ما می‌‌گوییم چون نسبت مولا و عبد به این شبهۀ مفهومیه علی حد سواء است یعنی مولا از او بپرسید جناب مولا یک دقیقه فاصله انداختیم بین رکوع رفتن و بین قرائت سورۀ حمد این عرفا صدق می‌‌کند صلات؟ یک دقیقه و نیم چطور؟ دو دقیقه چطور؟ مولا می‌‌گوید من بما هو مولی و مقنن نه بما هو عالم للغیب، بما هو مولی و مقنن مثل شمای عرف می‌‌مانم ما مثال می‌‌زدیم می‌‌گفتیم الان مولا می‌‌گوید اغسلوا وجوهکم بالماء نمک می‌‌ریزیم در لیوان آب به مولا می‌‌گوییم مولا این آب است؟‌ مولا می‌‌گوید من هم مثل شما چرا از من می‌‌پرسید؟ منِ‌ مقنن قانون را جعل کردم اما موضوع قانونم که آب هست یعنی آنی که عرفا آب است، و لذا می‌‌شود ظاهر اغسل بالماء‌یعنی اغسل بما هو ماء عرفا اینجا هم می‌‌شود ائت بما هو صلاة عرفا منتها مشتمل بر آن اجزاء شرعیه باید باشد. و لذا شک می‌‌کنیم در امتثال که آیا عرفا به این صلات می‌‌گویند یا نه. ما قاعدۀ اشتغال را جاری می‌‌کنیم اما مشهور در صدق عرفی صلات چون شبهۀ مفهومیه است باید برائت جاری کنند و فقط مواردی که علم داریم که عرفا صدق صلات نمی‌کند بگویند مبطل نماز است.

ما اصل موالات را به حدی که اگر ترک بکنیم مخل به صدق صلات است قبول داریم در موارد شک در صدق صلات هم احتیاط می‌‌کنیم از باب قاعدۀ اشتغال اما این‌که هر عمل مرکبی قوامش به توالی عرفی است این را قبول نداریم. نماز در ارتکاز متشرعه که یک مقدارش هم ناشی از احتیاط و سخت‌گیری هست قوامش به موالات هست.

ادامه بدهیم کلام صاحب عروه را، صاحب عروه بعد فرموده اگر کسی اخلال کند به موالات عمدا یعنی بگوید بسم الله، ادامه ندهد تا موالات مختل بشود مثلا، اگر عمدا باشد نمازش باطل است و لو تدارک بکند، اگر موالات را عمدا مختل کرد به‌نحوی که صدق صلات نکند که روشن است، سهوا هم باشد نماز باطل می‌‌شود، نه، موالات را عمدا مختل کرد به‌نحوی که صدق قرائت آیه نمی‌کند، گفتند اگر عمدی باشد نماز باطل است ولی اگر سهوی باشد آن آیه را صدق نمی‌کند خوانده یک بار دیگر می‌‌خواند اگر محلش باقی است. چرا؟‌ گفتند چون شما وقتی عمدا موالات را ترک کنی می‌‌شود زیادۀ عمدیه.

از کسانی که این مطلب را گفته غیر از خود صاحب عروه آقای خوئی است.

می‌گوییم آقای خوئی!‌ شما دیگر چرا؟ شما که معتقد بودید جعل السابق زیادة جعل السابق کلام آدمی مبطل نیست خود شما مثال می‌‌زدی می‌‌گفتی ما، ‌می خواهد بگوید مالک یوم الدین می‌‌گوید ما، پشیمان می‌‌شود بعدش، ‌آقای خوئی این را دارد همه ندارد آقای سیستانی این را ندارد و لذا ما احتمال می‌‌دهیم آقای سیستانی جایز نداند کسی عمدا ما می‌‌گوید قطع بکند، ‌عذر داری قطع می‌‌کنی یک حرفی، سینه‌ات نفست گرفت یک حرفی اما همین‌جوری به دلم نمی‌چسبد معلوم نیست همه قبول داشته باشند، اما آقای خوئی صریحا گفته، ‌گفته چه اشکالی دارد من که از اول بنا نداشتم بگویم ما می‌‌خواستم بگویم ما لک یوم الدین ما که گفتم تصمیم گرفتم قطع کنم جعل السابق زیادة ‌جعل السابق کلام آدمی این اشکال ندارد. خب آقای خوئی!‌ مناسب بود اینجا هم این را بفرمایید که اگر از اول می‌‌خواهد موالات را مختل کند عمدا به قصد جزئیت می‌‌گوید بسم الله از اول هم بنا دارد که موالات را مختل کند خب بله این زیادۀ عمدیه است ولی اگر از اول این را بنا نداشت بعدا تصمیم گرفت که این کار را بکند این‌که مشکلی پیدا نمی‌کند. ما همین را گفتیم ما هم گفتیم این زیادۀ عمدیه نیست اگر وسطش تصمیم بگیرد ترک کند موالات را.

[سؤال: ... جواب:] از اول اگر عمدا اخلال به ترتیب کند آنجا گفت. او حرف درستی بود.

مسألۀ 2 صاحب عروه می‌‌گوید الاحوط مراعاة ‌الموالاة العرفیة بمعنی متابعة ‌الافعال و ان کان الاقوی خلافه. احتیاط مستحب این است که علاوه بر صدق عنوان صلات و آیه و این‌ها تتابع عرفی هم حفظ بشود بین اجزاء نماز و لو عدم رعایت تتابع مخل به صدق عنوان قرائت آیه قرائت سورۀ حمد یا اتیان به صلات پیدا نکند. این احتیاط مستحب است.

این مطلب مطلب درستی هست.

نکاتی اینجا عرض کنم: یک نکته این هست که آقای خوئی فرمودند اگر سهوا اخلال کند به موالات ما گفتیم نماز باطل نمی‌شود، در جایی که مانع از صدق صلات نباشد. اما تکبیرة الاحرام چون رکن است این‌طور نیست. تکبیرة الاحرام را اگر اخلال کنی به موالات در حروفش و لو سهوا نماز باطل است چرا؟ برای این‌که ترک سهوی تکبیرة الاحرام مبطل نماز است. البته آقای زنجانی در بحث تکبیرة الاحرام گفتند اگر سهوا ترک کند تکبیرة الاحرام را و داخل رکوع بشود نمازش صحیح است ولی مشهور این را قبول ندارند طبق نظر مشهور که ما هم هم‌نظر هستیم با مشهور درست است، اخلال به موالات در تکبیرة الاحرام که عرفا بگویند تکبیرة الاحرام نگفت سهوا هم باید مبطل است.

مطلب دیگری که گفتند اخلال به موالات در سلام نماز است. این یعنی عملا سلام ندادی، داخل می‌‌شود در من نسی السلام، حالا من نسی السلام الی ان احدث اختلاف بود که آیا نماز باطل می‌‌شود یا باطل نمی‌شود. ما گفتیم نماز باطل نمی‌شود آن‌هایی که گفتند نماز باطل می‌‌شود طبعا اینجا هم حاشیه می‌‌زدند می‌‌گویند چون اخلال کردی به موالات بین حروف سلام صدق نمی‌کند سلام دادی و می‌‌شود مثل فراموش کردن سلام تا این‌که حدث صادر بشود یا موالات عرفیه مختل بشود آن‌ها می‌‌گویند نماز باطل است.

[سؤال: ... جواب:] ایشان [آقای زنجانی] تفصیل داد آقای بروجردی تفصیل داد بین حدث و فوت موالات. ... ترک شد موالات سهوا یعنی عملا سلام ندادی، سلام ندادی سهوا تا این‌که فوت موالات شد، مثل آقای بروجردی، مثل آقای زنجانی می‌‌گویند این نماز صحیح است و مشکل ندارد.

مسألۀ 1: تطویل الرکوع او السجود او اکثار الاذکار او قراءة السور الطوال لا تعد من المحو فلا اشکال فیها.

چون تطویل رکوع و سجود یعنی تطویل نماز، قرائت سور طوال این سورۀ بقره می‌‌خواند در نماز این‌ها یعنی نماز را طولانی کردن و این محو صورت صلات نمی‌کند.

[سؤال: ... جواب:] آیا اشکال دارد نیم ساعت سکوت کند خضوعا لله؟ دارد یک کاری می‌‌کند دیگر، ‌رکوع خودش یک کاری است دیگر. و لذا ایشان در تطویل رکوع نگفت تطویل رکوع مع الذکر گفت تطویل الرکوع او السجود او اکثار الاذکار او قراءة السور الطوال حالا در بحث مبطلات صلات دارد قرائت دعای کمیل، آقا عاشق دعای کمیل است نماز شب جمعه‌اش قنوتش دعای کمیل است، او هم چقدر تکرار می‌‌کند این چه اشکال دارد، عرفا محو صورت صلات نمی‌کند. آقای نائینی در ذهنم است که اشکال می‌‌کند در خواندن دعای کمیل در نماز یعنی کل دعای کمیل را بخواهد در نماز بخواند می‌‌گوید این چه نمازی شد این دعای کمیل خواندن شد، عرف ماحی می‌‌داند. ... دعای کمیل کلام آدمی است؟‌ یعنی آدم حرف می‌‌زند درست است!!‌ مناجاة ‌الرب است، ‌مناجات با خدا می‌‌کند.

مسألۀ 2: ‌الاحوط مراعاة الموالاة العرفیة بمعنی متابة الافعال بلا فصل و ان لم یمح معه صورة الصلاة و ان کان الاقوی وجوبها.

اینجاست که برخی مثل مرحوم نائینی گفتند ما تتابع عرفی را بین اجزاء نماز لازم می‌‌دانیم و لو صورت صلات محو نشود ولی در عین حال باید ملتزم باشی به متابعت، پی‌درپی آوردن اجزاء نماز. امام هم احتیاط واجب کردند.

می‌گوییم: چه وجهی دارد، ‌وقتی صلات صدق می‌‌کند دلیل‌تان بر لزوم متابعت چیست؟ حالا در وضو دلیل داریم تابع بعضه بعضا که آقای سیستانی آنجا احتیاط می‌‌کند متابعت عرفیه را اما در نماز که نداریم تابع بعضه بعضا.

[سؤال: ... جواب:] دیگر هر جا بی دلیل بودیم برویم سراغ اجماع که نمی‌شود.

مسألۀ 3: لو نذر الموالاة ‌بالمعنی المذکور اگر نذر کردی تتابع عرفی بین اجزاء نماز را رعایت کنی علاوه بر این‌که محو صورت صلات نشود، نه، نذر کردی تتابع عرفی هم حفظ بشود فالظاهر انعقاد نذره لرجحانها و لو من باب الاحتیاط فلو خالف عمدا عصی و لکن الاظهر عدم بطلان الصلاة .

دو تا مطلب اینجا صاحب عروه فرموده: یک: فرموده ما درست است دلیلی بر اعتبار متابعت عرفیه نداریم، فقط دلیل می‌‌گوید صدق عنوان صلات باید بکند، اما احتیاط مستحب که هست، نذر هر کاری که موافق با احتیاط مستحب باشد این نذر راجح است دیگر، و الا نذر بکند سیگار نکشد، اصلا آیا دلیل داریم بر کراهت سیگار کشیدن؟ دلیل نداریم که، شبهۀ تحریمیه است احتیاط مستحب است که سیگار نکشی اما نذر می‌‌کنی سیگار نکشی چون احتیاط مستحب است می‌‌شود راجح این نذرت و واجب الوفاء می‌‌شود.اینجا هم همین است، احتیاط مستحب که هست متابعت عرفیه، نذر متابعت عرفیه می‌‌شود نذر راجح و رعایتش لازم است.

مطلب درست است و لو بعضی‌ها مثل مرحوم حاج شیخ علی جواهری این را قبول ندارند می‌‌گویند باید راجح نفسی باشد. امام هم فرموده فیه محل تامل که بخواهد نذر چیزی که مطابق با احتیاط مستحب است و احراز نکردیم استحباب نفسیش را این منعقد بشود، ‌محل تامل است. نه، ‌محل تامل نیست عرفا می‌‌گوید لله علیّ‌ که این احتیاط مستحب را انجام بدهم.

مطلب دوم را اشاره کنم، صاحب عروه می‌‌گوید اگر نذرت را حنث کنی با خواندن نماز با ترک این متابعت عرفیه نمازت صحیح است و لو حنث نذر کردی. این بحث بحث مهمی است ان‌شاءالله جلسۀ آینده دنبال کنیم در قالب این مثال که مثال روشن‌تری است شما نذر کردید نماز فریضه‌تان را با جماعت بخوانید فرادی می‌‌خوانید عده‌ای از بزرگان مثل آقای حکیم آقای بروجردی می‌‌گویند این نماز فرادی باطل است چون این سبب حنث نذر است، اما صاحب عروه می‌‌گوید به نظر من امر به شیء مقتضی نهی از ضدش نیست و این نمازی که ضد وفای به نذر است صحیح است. ببینیم حق با کدامیک از این بزرگان است انشاءالله جلسۀ آینده این بحث را دنبال می‌‌کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.